

تأثیر بیداری اسلامی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از (SWOT)

حسن تلاشان*

مصطفی ملکوتیان**

محمد سندگل***

چکیده

بیداری اسلامی، ریشه در ارتباطات نوین غرب با جهان اسلام دارد؛ اما اینکه ایران به چه میزان از این پدیده اثرپذیرفته است، مبهم باقی مانده؛ چراکه که از سوی محققین، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال تحقیق این است که ج.ا.ا. برای ارتقاء جایگاه بین‌المللی خود، چه راهبردهایی را براساس فرصت‌ها و تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های بیداری اسلامی می‌تواند اتخاذ نماید؟ هدف این تحقیق نیز شناخت رابطه بین بیداری اسلامی و جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا. و چگونگی ارتقاء آن بوده است. در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و با استفاده از مدل تحقیقی «SWOT» این رابطه مورد بررسی قرار گرفته است. شرایط، دلالت بر آن دارد که موقعیت ج.ا.ا. در وضعیت موجود در نقطه تهاجمی معطوف به فرصت است و در آینده با ارتقاء آن در نقطه تهاجمی معطوف به قدرت قرار خواهد گرفت. نقطه‌ای که ایران را برخوردار از به‌دست‌آوردن ابتکار عمل وسیع در سطح منطقه می‌نماید.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، SWOT.

hassantalashan@yahoo.com
mmalakot@ut.ac.ir
mohammad.sandgol47@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۸

*. دانشیار علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.
**. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرس گروه معارف اسلامی.
***. دکتری علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

مقدمه

پدیده بیداری اسلامی که توانسته جغرافیای شرق و غرب دنیای عرب را متأثر از خود سازد و چهار دیکتاتور را به زیر کشیده و چند دیکتاتور دیگر را در آستانه سقوط قرار دهد و همه ارکان هندسه قدرت جهانی را متأثر از خود کند، می‌تواند بر «جمهوری اسلامی ایران» که در نزدیکی این تحولات قرار دارد، اثرگذار باشد. به‌خصوص اینکه ج.ا.ا وحدت جهان اسلام را در شعار و عمل دنبال نموده و به دنبال تغییر فضای کنونی معادلات قدرت، در صحنه بین‌الملل است.

یکی از متغیرهای تأثیرپذیری ایران از این پدیده، جایگاه بین‌المللی آن است. چراکه رژیم‌های دشمن یا حداقل مخالف سیاست‌های ج.ا.ا در این کشورها از بین رفته و رژیم‌های جدیدی جایگزین آنها شده‌اند که سیاست‌های کینه‌توزانه رژیم‌های قبلی را همانند گذشته و به آن شدت دنبال نمی‌نمایند. تعامل این کشورها با یکدیگر و ارتباط آنان با سایر کشورها و به‌خصوص قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، با رویکردهای متفاوت از گذشته، فرصت‌ها و تهدیداتی را متوجه ج.ا.ا خواهد کرد که می‌تواند بر جایگاه بین‌المللی آن اثرگذار باشد.

تاکنون تحقیقات زیادی به صورت جسته و گریخته در موضوع تأثیر بیداری اسلامی بر جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا توسط محققین انجام شده است. هرچند بررسی آنان به صورت مستقیم نبوده اما در اثنای مباحث خود، به برخی از عوامل مؤثر بر این موضوع اشاره داشته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. کتاب *بیداری اسلامی در جهان عرب* (پورسعید، ۱۳۹۲) نوشته جمعی از نویسندگان است. برخی از مقالات این کتاب می‌تواند اطلاعات مناسبی برای بخش‌های از این پژوهش را تأمین نماید. از جمله مقاله «تأثیر بیدار اسلامی بر تکوین نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه» و مقاله «تأثیر ناآرامی در کشورهای عربی بر امنیت اسرائیل»؛ این دو مقاله فقط بر دو موضوع از موضوعات گسترده‌ای که بر جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا در بیداری اسلامی اثرگذار است، اشاره می‌نمایند. پس اولاً همه عوامل را بررسی نکرده، ثانیاً اثر این دو موضوع را بر جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا نسنجیده است.

۲. پایان‌نامه «تأثیر بیداری اسلامی بر انسجام اسلامی و امنیت جمهوری اسلامی» (سعید محمدی، ۱۳۹۰) معتقد است که بیداری اسلامی، زمینه‌ساز بازگشت به هویت دینی و فرهنگی در جوامع اسلامی شده و انسجام اسلامی در جهان اسلام را گسترش داده است، به این سبب باعث تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

نویسنده معتقد است که اگر بیداری اسلامی در ایران از چنان ظرفیتی برخوردار بود که توانست انقلاب عظیم ملت ایران را به پیروزی برساند، پس قابلیت و ظرفیت آن را نیز دارد که این انقلاب را بر پایه همان اسلام تداوم بخشد و عوامل مزاحم و بازدارنده را از سر راه بردارد. امروز که این انقلاب از سوی قدرت‌های مزاحم خارجی با چالش‌های بزرگی مواجه است، می‌تواند با استفاده از همین موج بیداری اسلامی، زمینه انسجام و همگرایی ملل مسلمان را فراهم نموده و از این رهگذر اقتدار و امنیت ج.ا.ا را فزونی بخشد.

این مقاله نیز همانند مقالات قبلی، بخش کمی از خواسته این تحقیق را برآورده می‌سازد، چراکه به بررسی عوامل مؤثر در بیداری اسلامی که کاهنده و یا افزایش‌دهنده جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا است، به صورت مستقیم اشاره‌ای نداشته است.

۳. مقاله «بیداری اسلامی یا بهار عربی با رویکردی سیاسی» (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۳۳) به پیامدهای منطقه‌ای بیداری اسلامی می‌پردازد. این مقاله به تحقق مردم‌سالاری در منطقه و رشد احزاب مخالف، توسعه اصلاحات سیاسی، پایان دوران حکومت‌های موروثی و ... پرداخته که تا حدودی بابرخی از بررسی‌های پژوهش حاضر سازگاری دارد. اما با این حال فاصله جدی با آن نیز دارد. این مقاله به سفارش علی‌اصغر افتخاری برای چاپ در کتاب *بیداری اسلامی در نظر و عمل* به مهدی ذوالفقاری داده شده است که در کتاب مذکور در فصل هفتم به چاپ رسیده است.

بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که همه محققین از این نقطه غافل مانده‌اند که بیداری اسلامی اخیر در منطقه، چگونه می‌تواند بر ج.ا.ا اثر مثبت و یا منفی بگذارد که این تحقیق این نکته را مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر، هیچ‌یک از این محققین با تدوین استراتژی به دنبال ارتقا جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نبوده‌اند، درحالی که نتیجه نهایی این پژوهش این هدف را دنبال نموده است. نوآوری پژوهش حاضر نیز بر این نکته استوار است که تمدن‌سازی اسلامی،

هدف غایی از ارتقای جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. بدین معنا که این پژوهش به دنبال ساخت جهان اسلام از طریق شناخت اثرگذاری این واحدها از حیث فرصت‌ها و تهدیدهایی که بر جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا. وارد می‌کند می‌باشد تا از این رهگذر جایگاه ایران را در نظام بین‌المللی آینده تبیین و بازسازی نماید.

مفهوم‌شناسی

بیداری اسلامی: اصطلاح بیداری اسلامی، از واژه عربی «الصحوه» به معنای برطرف شدن سکر، به هوش آمدن از مستی، هوشیار شدن، ترک کردن جهل و غفلت کودکی و نوجوانی و هوشیاری. (عمید، ۱۳۶۳: ۱۴) هرگاه لفظ هوشیاری به مفهومی همچون نژادی، ملی و اسلامی اضافه شود، به این منظور است که اهداف نژادی، ملی و اسلامی، از یک مرحله غفلت و عقب‌ماندگی و یا تحمیل استعمار، جای خود را در اندیشه مردم باز کرده است و مردم پس از یک دوره غفلت از منافعشان، به خودآگاهی، هوشیاری برای رسیدن به اهداف نژادی، ملی و اسلامی رسیده‌اند و در نظر دارند زندگی آینده خود را براساس تمامی یا برخی از این اهداف پایه‌گذاری نمایند. (خامه‌یار، ۱۳۷۰: ۳۶)

منظور از بیداری اسلامی در این مقاله، به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌شود که در دوره جدید از دی ماه ۱۳۸۹ در کشورهای عربی با خودسوزی جوان تونسوی شروع و منجر به سقوط برخی حاکمان کشورهای عربی گردید.

جایگاه بین‌المللی: در فرهنگ فارسی معین، جایگاه به معنای محل، مکان، مقام و رتبه بکار رفته است. (معین، ۱۳۹۱: ۹۵۰) جایگاه بین‌المللی در واقع به مقام و مرتبه و منزلت و اعتبار و قدرتی که یک کشور در بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برخوردار است، اشاره دارد. در واقع جایگاه یک کشور نتیجه قدرت آن کشور است. قدرت یک کشور نیز ناشی از دارایی‌های محسوسی مثل پایگاه صنعتی قوی، جمعیت مناسب، تکنولوژی پیچیده، منابع قابل بهره‌برداری و نیز عوامل غیرمحسوسی مثل ایمان و اعتقادات، رهبری مؤثر، حمایت توده‌های مردم، سطح سواد و فرهنگ است. قدرت از مفاهیم اصلی علم سیاست است. (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۷۸: ۲۱۶)

فرصت‌ها: منظور از فرصت‌ها همان ظرفیت‌های تولید شده بعد از بیداری اسلامی در خارج از ایران است که به جمهوری اسلامی ایران این امکان را میدهد تا با استفاده از آنها منزلت بین‌المللی خود را افزایش دهد.

تهدیدها: قابلیت‌ها، نیات و گاه اقدام دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی به نحوی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتد. تهدید برحسب ماهیت ممکن است تهدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بوده و از نوع خارجی یا داخلی باشد. (همان: ۹۵) منظور ما از تهدیدها همان چالش‌هایی است که به واسطه بیداری اسلامی از خارج از کشور برای جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته، به گونه‌ای که می‌تواند بر جایگاه بین‌المللی آن اثرگذار باشد.

قوت‌ها: منظور از قوت‌ها همان منابع یا توانایی‌های درون کشور هستند که به ج.ا.ا. کمک می‌کند تا با استفاده از آنها بر منزلت و اعتبار و قدرت خود در سطح جهانی بیفزاید.

ضعف‌ها: منظور کمبودهایی در منابع و قابلیت‌های درونی کشور هستند که مانع از رسیدن ج.ا.ا. به منزلت بین‌المللی پس از بیداری اسلامی می‌شوند.

استراتژی: استراتژی را به مفهوم کلمه می‌توان سوق دادن، بردن، فرستادن و پاییدن بیان کرد. در فرهنگ عمید، استراتژی به معنی علم اداره کردن و حرکت ارتش در جنگ آورده شده است. (عمید، ۱۳۷۱: ۱۲۳)

در این تحقیق چهل و پنج عنوان فرصت و تهدید، و قوت و ضعف که در بیداری اسلامی بر جایگاه بین‌المللی ج.ا.ا. اثرگذار بوده، احصاء و به تعداد قابل ملاحظه‌ای از مدیران و کارشناسان نخبه موضوع در دستگاه‌های مختلف داده شد تا به هر یک از گویه‌ها، نمره‌ای بین صفر تا پنج را بدهند. نمرات در این جدول، میانگین گویه‌هاست.

مهم‌ترین شکاف‌ها در وضع موجود و آینده

ردیف	عنوان	نمره وضع موجود	نمره وضع آینده	میزان شکاف	موضوع از حیث swot
۱	نظام سیاسی مشروع و پایدار در ایران الگوی بیداری اسلامی	۴,۱	۴,۸	۰,۷	قوت
۲	وجود اندیشه‌های ناب امام و رهبری و قانون اساسی در انقلاب اسلامی ایران، الگوی بیداری اسلامی	۴,۵	۴,۸	۰,۳	قوت
۳	مقاومت و ایستادگی ملت ایران در مقابل استکبار جهانی به‌عنوان برند ج.ا.ا.	۴,۵	۴,۷	۰,۲	قوت
۴	توان اجماع‌سازی جهانی در برگزاری اجلاسهای بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اجلاسهای بیداری اسلامی توسط ایران	۳,۶	۴,۷	۱,۱	قوت
۵	شکل‌گیری چالش برای رژیم صهیونیستی پس از بیداری اسلامی	۳,۸	۴,۸	۱	فرصت
۶	حضور مؤثر جوانان عرب در بیداری اسلامی	۳,۹	۴,۸	۰,۹	فرصت
۷	گسترش عمق استراتژیک ایران با شکل‌گیری بیداری اسلامی	۳,۶	۴,۷	۱,۱	فرصت
۸	وجود رهبری بانفوذ در ایران در زمان بیداری اسلامی	۴,۶	۵	۰,۴	قوت
۹	فعال شدن تروریست‌ها پس از بیداری اسلامی	۴,۵	۲,۹	-۱,۶	تهدید
۱۰	شکل‌گیری بلوک وهابی در جهان پس از بیداری اسلامی	۴,۴	۲,۹	-۱,۵	تهدید

تحلیل مهم‌ترین شکاف‌ها در وضع موجود و آینده

با مذاقه در بندهایی که شکاف‌ها نسبت به سایر بندها از عمق بیشتری برخوردارند، درمی‌یابیم که بیداری اسلامی در آینده، جایگاه ج.ا.ا. را، هم در حوزه ایجابی (در بندهای یکم تا سوم) و هم در حوزه سلبی (دو مورد آخر) ارتقا خواهد داد.

بررسی مقایسه‌ای بین وضع موجود و وضع آینده

مقایسه بین وضع موجود و وضع آینده نشان می‌دهد که فرصت‌های زیادی از قبل بیداری اسلامی نصیب ایران خواهد شد تا بتواند با بهره‌گیری از این فرصت‌ها، جایگاه بین‌المللی خود را ارتقا بخشد و همچنین می‌تواند با استفاده از فرصت‌های در اختیار، ضعف‌های خود را در آینده نسبت به وضع موجود برطرف نماید. ضمناً این مقایسه نشان می‌دهد که قوت‌های ج.ا.ا. در وضعیت آینده نسبت به وضع موجود نیز بهبود خواهد یافت. همچنین در حوزه تهدیدها نیز ایران می‌تواند با استفاده از قوت‌های داخلی خود نسبت به کاهش آنها اقدام نماید. تمامی این یافته‌ها بیانگر ارتقای جایگاه ج.ا.ا. پس از بیداری اسلامی است.

نمودار ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک

تحلیل نمودار ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک که اصطلاحاً (space) نامیده می‌شود، برای تعیین موقعیت استراتژیک یک کشور طراحی می‌شود. با استفاده از این مدل، مدیران قادر هستند با دخالت دادن تعدادی از عوامل در تجزیه و تحلیل موقعیت کشور، نسبت به ارزیابی شرایط و اقدام استراتژیک کشور در موقعیت‌های مختلف اقدام نمایند. (طیبی و ملکی، ۱۳۹۲: ۱۵۷) در این پژوهش نمودار ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک ترسیم شد (که به علت محدودیت از متن مقاله حذف گردید) و در آن مشخص گردید که تأثیری که بیداری اسلامی بر ایران گذاشته، به‌گونه‌ای است که این کشور را در شرایط تهاجمی، معطوف به فرصت در وضع موجود و تهاجمی معطوف به قدرت در وضع مطلوب قرار داده است.

تحلیل شرایط تهاجمی معطوف به فرصت

در میان شرایط چهارگانه (انفعالی، تعاملی، رقابتی و تهاجمی) شرایط تهاجمی بهترین شرایط برای یک کشور می‌باشد. در این شرایط است که مسئولان می‌توانند با سرمایه‌گذاری مناسب و تدوین استراتژی‌های متفاوت و با دست‌باز و وجود موانع کمتر برای ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران در آینده، برنامه‌ریزی نمایند. استراتژی‌هایی که می‌توان در این شرایط از آن بهره برد، شامل استراتژی توسعه منطقه نفوذ، تعمیق نفوذ و تثبیت قدرت که نتیجه آن ارتقای جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود می‌باشد.

درک اتخاذ این نوع استراتژی نیز توسط مسئولان کشور آسان است. اول به این دلیل که استراتژی در زمین غیرخودی اجرا می‌شود بنابراین احتمال خطر کمتر است. دوم اینکه بنا به همان دلیل اول - یعنی اجرای استراتژی در زمین غیرخودی - به منابع اضافی کمتری نیاز است. و سوم اینکه به این دلیل که اجرای استراتژی‌ها بیشتر متکی به مهارت‌های شناخته شده کشور و ظرفیت‌های داخلی است (مثل استراتژیست‌های نظامی و قدرت دیپلماتیک و استحکام داخلی و...) و بر بعد فرامادی بیشتر تکیه دارد، این نوع استراتژی‌ها انتخاب می‌گردند.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آن

نتایج به‌دست آمده از فرم‌های پیمایشی توزیع شده در بین پاسخ‌دهندگان و نمودارهای نمرات داده شده و نمودار مقایسه‌ای وضع موجود و وضع مطلوب، نشان می‌دهد که موج سوم بیداری اسلامی که از سال ۱۳۸۹ در تونس آغاز شد، پیامدهای مهم مثبت و منفی را برای جایگاه بین‌المللی ج.ا.ایران به‌دنبال داشته است.

بیداری اسلامی توانسته تهدیداتی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند که جزو پیامدهای منفی آن محسوب می‌گردد. از پیامدهای منفی این پدیده برای جایگاه بین‌المللی ایران، این بود که غربیان توانسته‌اند در مرحله پنجم تحریم‌ها، در ابتدای شکل‌گیری بیداری اسلامی، به بهانه مسایل هسته‌ای ولی با هدف تضعیف اقتصادی ج.ا.ایران برای حداقل جلوگیری از تأثیرگذاری بیشتر بر بیداری اسلامی، اقدام به تحریم در حوزه فروش نفت و مسایل بانکی و مالی نمودند تا با این اقدام خود، نیاز بیداری اسلامی به گشایش‌های اقتصادی را به‌سود خود مدیریت نمایند. آنان این دوره از تحریم‌ها را تحریم‌های هوشمند نام نهادند تا ایران از فروش نفت پس از طی دوسال‌ونیم محروم گشته و نتواند دست به عملیات مالی و بانکی بزند که از این طریق دست ایران برای کمک به بیداری اسلامی بسته شود تا این کشور نتواند از پیروزی به‌دست آمده در قیام ملت‌های منطقه، بر وزن خود بیفزاید و حتی با فشار اقتصادی بر مردم، زمینه واگرایی آنان را از نظام سیاسی فراهم نموده و به‌زعم خود، آنان را در مقابل نظام قرار داده و از این طریق ایران را با تهدید موجودیتی مواجه گرداند. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۰)

با شکل‌گیری بیداری اسلامی، موج ایران‌هراسی و اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی گسترش یافت و شاهد شکل‌گیری بلوک تکفیری قدرتمندی در بخشی از جهان اسلام بودیم. عربستان سعودی به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، با دامن زدن به طرح هلال شیعی، انگیزه کافی برای سامان‌دهی این بلوک را در اهل سنت به‌وجود آورد. این کشور توانست با اتحاد موقت با دیگر رقیب منطقه‌ای ایران یعنی ترکیه، بر وزن و قدرت خود بیفزاید (بسته خبری، ۹۹، ۳۹) و از دو سوی شمال و جنوب،

1. Strategic position and action evaluation.

محور مقاومت تحت نفوذ ایران را تحت فشار شدید قرار دهند. اگر تدبیر ایرانی‌ها نبود، می‌توانست بحران به درون ایران سرایت کند و بدین‌وسیله هزینه‌های سرسام‌آوری را بر این کشور تحمیل نماید. (نورانی درآباد، ۱۳۹۰: ۱۹)

اندیشه وهابیت تا قبل از بیداری اسلامی، رقابت جدی را با اخوان‌المسلمین آغاز نکرده بود اما پس از بیداری اسلامی این رقابت گسترش روز افزون یافت، تاجایی که توانست در مصر با تشکیل حزب‌النور و ایجاد جرقه‌های اولیه مخالفت با اولین حکومت اخوانی در مصر، زمینه سقوط آن را فراهم نماید. همچنین وهابیت و تکفیری‌ها توانستند در همه کشورهای که بیداری اسلامی در آنها شکل گرفته بود، برای اولین بار هسته قدرتمندی را سازماندهی نمایند و به تهدیدی برای اسلام ناب محمدی ﷺ تبدیل شدند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۳۴)

آمریکایی‌ها نیز توانستند با ایجاد و سپس مدیریت هرج‌ومرج سازنده، در کشورهای که بیداری اسلامی در آنها شکل گرفته بود، اهداف خود را توسعه دهند و انقلاب بدون خشونت مردم این کشورها را به‌سوی جنگ داخلی و یا ترورهای هدفمند و یا کور، هدایت نمایند. تاجایی که امروزه جنگ و خون‌ریزی در اکثر این کشورها به‌چشم می‌خورد. لیبی، مصر، یمن، بحرین، سودان و حتی تونس نیز از جمله این کشورها هستند. آنان با این اقدامات، زمینه روی کار آمدن عناصر وابسته به خود را دنبال نمودند و در بعضی از کشورها توانستند به اهداف خود برسند و این می‌توانست در صورت سرایت به کشورهای دیگر از جمله همسایگان ایران، برای ج.ا.ی به تهدیدی جدی بدل گردد.

چالش دیگر بیداری اسلامی، فعال شدن تروریست‌ها توسط آمریکا است. «آمریکا پس از جنگ سرد و نبود دشمن مشخص، تروریسم را دشمن فرضی به حساب آورده تا از سردرگمی رها شود. چراکه بدون داشتن دشمن حتی فرضی، ادامه بقای خود را به‌عنوان هژمون، غیرممکن می‌داند. بنابراین به بهانه مبارزه با تروریسم تلاش می‌نماید منافع حیاتی خود را در سطح جهان حفظ نماید.» (گوهری مقدم، ۱۳۸۶) بیداری اسلامی این ظرفیت را برای تروریست‌ها به‌وجود آورد که بتوانند از اقصای نقاط جهان، به‌سوی کشورهای که بیداری اسلامی در آنها شکل گرفته، سرازیر شوند. تاجایی که از لیبی و یمن و سوریه، به بهشت تروریست‌ها نام می‌بردند. تروریست‌ها در سوریه وارد پایتخت شدند و در عراق به دروازه‌های بغداد رسیدند و حتی تا چهل کیلومتری مرزهای ایران نیز آمدند و بارها امیر و والی برای مناطق مختلف ایران معرفی کردند ولی به محض ورود به ایران نابود شدند و حتی به مجلس شورای اسلامی نیز حمله کردند و بدین‌وسیله امنیت ملی ایران را مورد تهدید قرار دادند.

بیداری اسلامی زمینه‌ساز تقویت محور سکولاریزم در مقابل مقاومت نیز بود. سکولاریزم در سطح منطقه به رهبری ترکیه، تا قبل از شکل‌گیری بیداری اسلامی، در انزوای کامل به‌سر می‌برد اما پس از آن توانست خیزشی برای شکل‌دهی بلوکی از کشورها را دنبال کند. پس از بیداری اسلامی بود که امید به احیا برای آنان فراهم شد و در صورت موفقیت می‌توانست ظرفیت‌هایی را در ایران به‌نفع خود تولید و تقویت نموده و به‌عنوان یک تهدید برای ایران محسوب شود. (رضاخواه، ۱۳۹۱)

کشورهای غربی با استفاده ابزاری از اقتصاد، توانستند فشار مضاعفی را بر دولت‌های نوظهور در کشورهای که بیداری اسلامی در آنها محقق شده بود، حاکم نمایند. آنها توانستند با مدیریت انتظارات اقتصادی مردم، اهداف خود را دنبال نمایند. (اقبال، ۱۳۹۲: ۲۷۴) این در حالی بود که هنوز جریان‌ها و احزاب حاکم، به‌دلیل عدم تجربه حکومت‌داری، نمی‌توانستند پاسخ نیازهای اقتصادی مردم را بدهند.

آشکار شدن نبود نظریه جایگزین برای حکومت‌هایی که به‌دلیل عدم برنامه‌ریزی تشکلهای انقلابی و غافلگیری آنان شکل گرفت، در کنار نبود رهبری واحد فرهمند - که مشخصه همه انقلابهای اخیر بود - زمینه را برای ایجاد هرج‌ومرج فراهم نمود. البته درگیری در سوریه به بهانه شکل‌گیری بیداری اسلامی، زمینه عدم فهم مناسب شرایط را برای برخی سران دفتر سیاسی حماس در سوریه فراهم و باعث شد تا این گروه با انتقال دفتر خود به قطر و عدم همراهی با محور مقاومت، از آن فاصله بگیرد. (بی‌نام، سایت مشرق ۱۰ / ۰۵ / ۹۲)

متعاقب همین درگیری‌ها در سوریه بود که مناطق کردنشین این کشور، درخواست خودمختاری را علنی و اعمال کردند. البته این موضوع در مورد عراق با درخواست برگزاری انتخابات برای جدایی از سوی بارزانی‌ها شکل جدی‌تری پیدا کرد و این امر می‌توانست با سرایت به ایران، بحرانی به مراتب بزرگ‌تر را در این کشور ایجاد نماید، هرچند با مدیریت صحیح این امر واقع نگردید.

در نبود برنامه برای مدیریت بیداری اسلامی قبل از وقوع، غافلگیری دیپلماسی ایرانی (صفوی، فرارو، ۱۳۹۰) در برابر

این پدیده آشکار بود. این غافلگیری خود را در حوزه سیاسی، فرهنگی و نظامی نشان داد. فهم‌های متفاوت و عدم انسجام تئوریک در تحلیل این پدیده (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۱۰) نیز بر برنامه‌ریزی اداره آن تأثیر مستقیم گذاشته است، به‌گونه‌ای که یک نقطه قوت می‌توانست به یک نقطه ضعف برای ایران تبدیل شود. این پدیده نشان داد که چگونه می‌تواند ظرفیت انقلاب اسلامی برای هدایت بیداری اسلامی در نبود یک کشور متحد استراتژیک با ایران را به ضعف تبدیل نماید.

البته بیداری اسلامی توانسته است در کنار ایجاد چالش، فرصت‌هایی را نیز برای ج.ا.ا ایجاد نماید. این پدیده به‌خاطر هم‌زمانی با دوره گذار ژئوپلیتیکی جهان، زمینه‌ساز افزایش قدرت مانور ج.ا.ا گردید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳) دوره‌ای که با پایان یافتن جنگ سرد بین دو قطب شرق و غرب آغاز و تا تثبیت شکل‌گیری قدرت‌های نوین در صحنه بین‌الملل ادامه خواهد یافت.

وجود شبکه‌های اجتماعی در بیداری اسلامی - که ایران نیز در این زمینه دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ویژه‌ای است - بر میزان قدرت آن افزوده است. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۸۷) چالش‌ها و فشارهای روانی و جغرافیایی بر رژیم صهیونیستی و بازیابی هویت مسلمانان (امیر عبدالهیان، ۱۳۹۲: ۲۸) در کنار زمینه‌سازی برای هم‌گرایی منطقه‌ای (خانی، ۱۳۹۱: تخلص از ۹۱ - ۸۸) و گسترش حوزه نفوذ ایران در منطقه (امیر عبدالهیان، همان: ۱۲۴) و پایان‌یابی حاکمان و حکومت‌های مستبد و غیردموکراتیک نیز بر عمق استراتژیک ایران پس از بیداری اسلامی افزوده است. (دان مریدور، بصیرت، ۹۱)

پدیده بیداری اسلامی نشان داد که زوال هژمونیک آمریکا با آگاهی ملتها نسبت به این کشور افزایش یافته (بی‌نا، کیهان، ۱۳۸۹) و همچنین این بیداری توانسته است عربستان سعودی را در محیط امنیتی تعریف شده خودش به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای به‌چالش بکشد. بحرین و یمن و همچنین جدایی قطر از عربستان از آن جمله است. همه این عوامل باعث شده‌اند تا جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران ارتقا یابد.

اگرچه که شکل‌گیری بیداری اسلامی مشکلاتی را برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به‌دنبال داشته است و متحدین استراتژیک این کشور در منطقه مثل سوریه و عراق را تا سرحد سقوط کشاند اما از دل همین بحرانها و مشکلات بود که ایران توانست با ممانعت از سقوط این حکومت‌ها، جلوی فزون‌خواهی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را سد نماید و جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت در صحنه منطقه و جهان، ارتقا بخشد.

ایران توانست با به‌صحنه آوردن روسیه و حزب‌الله و سایر گروه‌های غیرسوری - اعم از عراقی و افغانی و هندی و پاکستانی و ... و تغییر صحنه نبرد به‌نفع خود، بر قدرت خود به‌عنوان محور مقاومت بیفزاید و توانست با شکل‌دهی نیروهای مردمی عراق و سوریه برای دفاع در مقابل تروریست‌ها و همراه‌سازی آنان با خود، بر ظرفیت پایدار خود در این کشورها افزوده و جایگاه خود را در نظام سیاسی این کشورها و منطقه تحکیم نماید و از این طریق جایگاه بین‌المللی خود را ارتقا بخشد.

ایران با مدیریت تحولات یمن و حمایت معنوی از انصارالله، محیط امنیتی رقیب منطقه‌ای خود یعنی عربستان را با چالش مواجه ساخت و با حمایت معنوی از بحرین بر این چالش عربستان افزود و با مدیریت تحولات مربوط به تروریست‌ها در عراق و حمایت از گروه‌های جهادی در مقابل تروریست‌ها و نزدیک شدن به آنها و نزدیک‌سازی آنان به خود با کمک‌های مستشاری، زمینه را برای نابودی تروریست‌ها در این کشور فراهم، و بر جایگاه بین‌المللی خود افزود.

ایران توانست با نفوذ اجتماعی در عراق و سوریه، حوزه نفوذ ترکیه را به‌عنوان متحد غرب در منطقه و یک کشور سکولار و مهم‌تر از همه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با اقتصاد نسبتاً پویا، محدود نماید و با مدیریت تحولات، از نفوذ این کشور در روسیه کاسته و بر وزن خود در ارتباط با روسیه بیفزاید و توانست حزب‌الله لبنان را از یک جریان صرفاً تأثیرگذار بر تحولات لبنان، به یک جریان اثرگذار بر کل منطقه تبدیل نماید و با این عمل بر وزن متحدین خود افزوده و در نتیجه زمینه را برای ارتقای جایگاه خود در صحنه بین‌المللی فراهم آورد.

همچنین ایران با کمک به باز پس‌گیری مناطق اشغال‌شده توسط تروریست‌ها در کشورهای عراق و سوریه، توانست زمینه را برای ارتقای جایگاه نظامی خود در مقابل تئوریسین‌های نظامی ترک و عرب و صهیونیست‌ها بیفزاید و توانست با تعریف محیط امنیتی برای خود در سطح منطقه جنوب غرب آسیا، جایگاه جدیدی را برای خود رقم زده و با این اقدام بر جایگاه بین‌المللی خود بیفزاید.

ایران پس از بیداری اسلامی، علی‌رغم تمامی مشکلاتی که به‌دنبال داشت، به بعد نرم‌افزاری اثرگذاری بر محیط امنیتی

منطقه پی‌برده و دست یافت و توانست با توسعه کشورهای متحد خود، خود را از انزوا و تنگنای استراتژیک تاریخی رهایی بخشد و بر جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت فرهنگی در سطح جهان اسلام و آسیا و کل جهان بیفزاید و با یافتن متحدین جدید از ظرفیت اقتصادی تولید شده در آینده بهره‌برداری و از اتکای صرف به نفت خودداری نموده و همچنین، یافتن راه‌کارهای جدید، به مقابله با تحریم‌ها بپردازد و با استفاده از این ظرفیت و قدرت به‌دست آمده در سوریه و عراق، در مذاکرات هسته‌ای بر جایگاه دیپلماتیک خود در صحنه جهانی بیفزاید و به ارتقای جایگاه بین‌المللی خود در صحنه جهانی اهتمام ورزد.

ایران توانست با استفاده از مشروعیت نظام مردمی و اسلامی و با ثبات خود و احیای مجدد اسلام، الگوی مناسبی برای کشورهای اسلامی ارائه نماید و از این رهگذر بر اعتبار خود در سطح جهان اسلام و صحنه بین‌الملل بیفزاید و جایگاه خود را ارتقا بخشد. گواه این مطلب مقاله آقای منوچهر محمدی است که در این مقاله می‌نویسد: «انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، محتوا، نتایج حرکت‌ها، سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در سطح جهان اسلام بوده است.» (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۰) همچنین هانتینگتون در این زمینه می‌نویسد: «احیای اسلامی سبب شده است مسلمانان به ارزشمندی تمدن اسلامی و به ارزشهایشان اطمینان مضاعف یابند و به پشت گرمی آن در این عرصه به هم‌وردی غرب بروند.» (هانتینگتون، ۱۳۷۶: ۳۹)

جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت اثرگذار و نفوذ بی‌بدیل خود در سطح جهان اسلام، توانست با برگذاری اجلاسهای متعدد، همچون اجلاس جوانان، زنان، شاعران، اساتید و اجلاس علمای بیداری اسلامی، در جهت اثرگذاری مثبت و اندیشه‌سازی اسلامی برای تحرک بیشتر و پویایی جریان اسلام‌خواه در جهان اسلام گام بردارد و با این حرکات بر عمق راهبردی خود در قلوب مسلمانان جهان نفوذ کرده و بر جایگاه و اعتبار خود در سطح جهانی بیفزاید. اسپوزیتو می‌نویسد: «نسل مسلمان پس از انقلاب اسلامی در سراسر جهان پذیرفتند که اسلام برای اصلاح سیاسی و اجتماعی برنامه دارد.» (اسپوزیتو، ۱۳۸۵: ۳۳۲)

ایران توانست به مدد رهبری متفکر و با نفوذ خود، هر روز بر عمق استراتژیک خود در منطقه‌ای پرآشوب افزوده و بر مشکلات فایق آید و از این طریق بر وزن خود در سطح جهانی بیفزاید. واشنگتن از قول عضو ارشد اندیشکده آمریکایی شورای روابط خارجی نوشت: «رهبر ایران یک متفکر استراتژیک طراز اول است ... دستاوردهای امروز ایران مرهون نبوغ یک روحانی بی‌ادعاست. در منطقه‌ای که رژیم‌های بسیاری دچار بی‌ثباتی و فروپاشی شده‌اند، جمهوری اسلامی با اقتدار به‌پیش می‌رود و آیت‌الله خامنه‌ای در رأس مهم‌ترین دولت از خلیج فارس تا کرانه‌های مدیترانه است. او بارها در مذاکرات به قوی‌ترین موضع رسیده است. رهبری نبوغ‌آمیز آیت‌الله خامنه‌ای تبلور واقعی شعار الله‌اکبر است.» (عضو ارشد شورای روابط خارجی، ۱۳۹۳، سایت جمهوری)

ایران با استفاده از جایگاه برتر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئوکالچرال و ژئواکونومیکی خود به‌عنوان نقطه قوت این کشور در بیداری اسلامی بهره‌برده و بر منزلت خود افزود. رضانی می‌نویسد: «ایران یکی از کهن‌ترین کشورهای جهان است که خود موجد و بنیانگذار تمدنی جامع و فراگیر محسوب می‌شود. ایران همواره به‌عنوان یک بازیگر مهم جهانی در تاریخ پر فراز و نشیب خود به ایفای نقش‌های گوناگونی در صحنه سیاست بین‌الملل پرداخته است.» (رضانی، ۱۳۸۰: ۴۴)

ایران با استفاده از ظرفیت شبکه‌های رسانه‌ای در اختیار و یا هم‌سو همچون العالم، المیادین، کیهان عربی، الوفاق و المستقبل، رأی العالم، و المنار، با گزارش واقعی از مبارزه مردم در کشورهای اسلامی با ارتش‌های این کشورها، خط خبری متفاوتی از رسانه‌های در اختیار استخبار را دنبال نماید و از این طریق با اثرگذاری بر بیداری اسلامی، خلاء رهبری میدانی خود را جبران نموده و زمینه را برای اثرگذاری بیشتر بر سطح جهان اسلام فراهم و بر عمق فرهنگی و رسانه‌ای خود افزوده است.

(استفاده از مزیت فرصت‌ها برای جبران نقاط ضعف) WO تدوین استراتژی‌های

به‌طور کلی استراتژی‌های (WO) در برگیرنده موقعیتی است که یک کشور با نقاط ضعف فراوان، با فرصت‌های مختلف محیطی روبه‌روست. در این حالت کشورها با تدوین استراتژی‌های (WO) سعی می‌نمایند با توجه به فرصت‌های محیطی، نقاط ضعف خود را پوشش دهند. این استراتژی‌ها را می‌توان در قالب استراتژی‌های محافظه‌کارانه، برای کشورها تعریف کرد. در ذیل به بخشی از این استراتژی‌ها با توجه به فرصت‌های موجود برای رفع ضعف‌ها اشاره می‌گردد:

۱. به حاشیه‌رانی فهم متفاوت از بیداری اسلامی، با برجسته‌سازی بازیابی هویت مسلمانان در بیداری اسلامی از طریق شبکه‌های اجتماعی؛
۲. جلوگیری از غافلگیری دیپلماسی ایرانی با ایجاد چالش‌های جدید از طریق بیداری اسلامی برای رژیم صهیونیستی؛
۳. جبران نداشتن متحد استراتژیک با همگرایی منطقه‌ای و تضعیف محیط امنیتی عربستان با استفاده از فرصت‌های دوره گذار ژئوپلیتیکی؛
۴. سامان‌دهی رهبران کاریزماتیک برای بیداری اسلامی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و حضور جوانان در بیداری اسلامی.

تدوین استراتژی‌های wt (به حداقل رسانیدن زیان‌های ناشی از تهدیدها و نقاطضعف)

استراتژی wt دربرگیرنده موقعیتی است که یک کشور با نقاطضعف مختلف، با تهدیدهای متفاوت محیطی روبه‌روست. در چنین حالتی کشورها با تدوین استراتژی‌های wt، رویکرد تدافعی به خود می‌گیرند و سعی دارند نقاط ضعف داخلی را کم کرده و از تهدیدات محیطی پرهیز نمایند. این موقعیت بیانگر بدترین حالت برای یک کشور است که بقای کشور به مخاطره می‌افتد. این استراتژی‌ها را می‌توان در قالب استراتژی‌های تدافعی نیز برای کشورها تعریف کرد. در ذیل به ۷ استراتژی تدافعی، با توجه به نقاط ضعف ایران اشاره می‌گردد.

۱. مدیریت فهم متفاوت از بیداری اسلامی در درون نظام، با برجسته‌سازی تهدیدات فوری و سایر ظرفیت‌های فرهنگی؛
۲. جلوگیری از غافلگیری دیپلماسی ایرانی با راه اندازی پژوهشگاه‌های آینده‌پژوهی و رصد تحولات؛
۳. ایجاد ائتلاف‌های موقتی برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت و بسترسازی برای رسیدن به متحدین استراتژیک؛
۴. کاهش وابستگی اقتصادی به منابع خارجی با حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی در درون کشور؛
۵. پرورش رهبران کاریزماتیک برای ادامه پروژه بیداری اسلامی با شناسایی چهره‌های فرهیخته و همفکر در جهان اسلام؛
۶. تولید نظریه‌های جدید سیاسی توسط علمای اهل سنت داخل کشور، برای کشورهای سنی‌مذهب جهان اسلام، مطابق با اندیشه‌های انقلاب اسلامی، برای ادامه پروژه بیداری اسلامی؛
۷. جلوگیری از سقوط حکومت‌های بیداری اسلامی با ارائه کار مستشاری حکومت‌داری توسط جمهوری اسلامی ایران.

جدول تدوین استراتژی‌های st (استفاده از نقاطقوت برای جلوگیری از تهدیدها)

استراتژی‌های st دربرگیرنده موقعیتی است که یک کشور دارای نقاطقوت، با تهدیدهای محیطی روبه‌روست. در این حالت کشورها با تدوین استراتژی‌های st سعی می‌نمایند با توجه به نقاطقوت درونی خود، از تهدیدهای محیطی پرهیز نمایند و یا درحد امکان اثر سوء تهدیدها را برای کشور خود کاهش دهند. این استراتژی‌ها را می‌توان در قالب استراتژی‌های رقابتی نیز برای سازمان‌ها تعریف کرد. در ذیل به برخی از این استراتژی‌ها اشاره می‌گردد:

۱. جلوگیری از شکل‌گیری تحریم‌های جدید و اختلافات مذهبی و فعال‌شدن تروریست‌ها با استفاده از مشروعیت نظام در داخل کشور؛
۲. جلوگیری از اختلافات قومی با استفاده از اندیشه‌های امام و رهبری معظم و ظرفیت‌های قانون اساسی ج.ا.ا؛
۳. تضعیف محور سکولاریزم با استفاده از نفوذ ایران در لایه‌های نخبگی کشورهای اسلامی؛
۴. ممانعت از مدیریت تحولات منطقه، توسط آمریکا، با استفاده از ظرفیت هسته‌های مقاومت در منطقه؛
۵. غلبه بر ابزار تحریم‌ها با استفاده از نظام مردم‌سالاری دینی در ایران؛
۶. جلوگیری از اختلافات قومی و مذهبی در بیداری اسلامی با اطلاع‌رسانی از طریق شبکه‌های رسانه‌ای در اختیار؛
۷. جلوگیری از اختلافات قومی و مذهبی در بیداری اسلامی، با استفاده از توان اجماع‌سازی ایران در سطح منطقه؛
۸. ممانعت از شکل‌گیری بلوک وهابی و تکفیری با استفاده از جایگاه برتر ژئوپلیتیکی ج.ا.ا؛
۹. ممانعت از تقویت و تداوم نظام تحریم‌ها با استفاده از جایگاه برتر ژئواکونومیک ج.ا.ا؛
۱۰. ممانعت از تقویت و تداوم فعالیت تروریست‌ها با استفاده از جایگاه برتر ژئواستراتژیک ج.ا.ا؛

۱۱. ممانعت از فاصله‌گیری حماس از ایران و تقویت هم‌گرایی بین دولت سوریه و اکراد با استفاده از جایگاه برتر ژئوکالچرال ج.ا.ا.

تدوین استراتژی SO (بهره‌برداری از فرصت‌ها با استفاده از نقاط قوت)

استراتژی SO دربرگیرنده موقعیتی است که یک کشور دارای نقاط قوت، با فرصت‌های محیطی روبه‌روست. در این حالت کشورها با تدوین استراتژی‌های SO سعی می‌نمایند، با توجه به نقاط قوت درونی خود از فرصت‌های محیطی، بیشترین استفاده و بهره‌برداری را نمایند.

استراتژی SO بهترین حالت از استراتژی‌های چهارگانه در ماتریس SWOT است که می‌توان در قالب استراتژی‌های تهاجمی برای سازمان تعریف کرد. در ذیل به ۱۳ مورد از استراتژی‌های SO اشاره می‌گردد:

۱. ارتقای ظرفیت سایبری ایران برای جلب، جذب و هدایت جوانان عرب به انقلاب اسلامی؛
۲. سامان‌دهی هسته‌های مقاومت برای پایان‌بخشی به حکومت‌های مستبد در منطقه؛
۳. گسترش عمق استراتژیک و قدرت‌یابی ایران در منطقه و جهان با استفاده از نظام سیاسی مشروع و پایدار در ایران؛
۴. تضعیف محیط امنیتی عربستان با استفاده از ظرفیت بیداری اسلامی؛
۵. تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ا با استفاده از شکل‌گیری موج نفرت از آمریکا پس از بیداری اسلامی برای کاهش جایگاه هژمونیک آن کشور؛
۶. ایجاد چالش برای رژیم صهیونیستی با اندیشه‌های امام و رهبری به‌عنوان الگوی جذاب در بیداری اسلامی؛
۷. زوال هژمونی آمریکا و رژیم صهیونیستی با الگوگیری از مقاومت و ایستادگی ملت ایران در مقابل استکبار جهانی؛
۸. هم‌گرایی جهان اسلام با استفاده از ظرفیت و رسانه‌های متعدد در اختیار و یا هم‌سو با ایران در سطح منطقه و جهان؛
۹. توسعه و تعمیق عمق استراتژیک ایران با استفاده از توان اجماع‌سازی خود در جهان اسلام؛
۱۰. هم‌گرایی منطقه‌ای با استفاده از جایگاه برتر ژئوپلیتیکی ایران در سطح منطقه؛
۱۱. تضعیف محیط امنیتی عربستان با استفاده از جایگاه برتر ژئواستراتژیکی ایران؛
۱۲. بازبانی هویت مسلمانان برای پایان‌بخشی به حکومت‌های مستبد، با استفاده از جایگاه برتر ژئوکالچرال ج.ا.ا؛
۱۳. هم‌گرایی منطقه‌ای با محوریت ایران با استفاده از جایگاه برتر ژئواکونومیکی ایران.

راهبردهای تجمیعی

برای استفاده بهینه و جلوگیری از تعدد راهبردها، سی‌وینچ راهبرد را باهم ادغام و تبدیل به هفت راهبرد می‌نماییم. که در واقع تجمیع راهبردهاست:

۱. ظرفیت‌سازی هوشمندانه از طریق توانایی‌ها و تخصص‌های جوانان کشور در فضای سایبری و شبکه‌های رسانه‌ای در اختیار و هم‌سو با ایران در منطقه، و استفاده از امکانات، قوت‌ها و فرصت‌ها، به‌منظور جذب و هدایت جوانان عرب به اندیشه و تفکر مبارزاتی حضرت امام و مبانی انقلاب اسلامی (SO)؛
۲. بهینه‌سازی هسته‌های مقاومت در منطقه از طریق فراهم‌آوردن زمینه‌ها در عراق و سوریه به‌منظور بازاحیای بیداری اسلامی جهت خنثی‌سازی عملیات پنهان غرب در انحراف بیداری اسلامی (SO)؛
۳. عمق‌بخشی به اقتدار ج.ا.ا در منطقه از طریق گسترش موج نفرت از آمریکا و رژیم صهیونیستی و ارتقای شاخص‌های مردم‌سالاری دینی و موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال به‌منظور شکل‌دهی به خاورمیانه اسلامی (SO)؛
۴. بازسازی و تقویت توان دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ا از طریق به‌کارگیری دیدگاه‌ها و اندیشه‌های حضرت امام و رهبری معظم انقلاب و ظرفیت‌های قانون اساسی و با استفاده از فرصت‌های دورگذار ژئوپلیتیکی جهان و منطقه به‌منظور تضعیف راهبردهای منطقه‌ای مثلث عبری، غربی، عربی و پیشگیری از غافلگیری و انفعال دیپلماسی ج.ا.ا (WO)؛
۵. ایجاد درک و فهم واحد از بیداری اسلامی در سطوح کلان‌نخبگی و مدیریتی کشور از طریق نشست‌های تخصصی

و تنازل دیدگاه‌ها به‌منظور اتخاذ استراتژی واحد در حفظ و پیش‌بردگی و نتیجه‌بخشی بیداری اسلامی متناسب با منافع ملی و مصالح جهان اسلام (wt):

۶. وحدت‌بخشی جهان اسلام از طریق تقویت‌سازی و کارهای تقریب مذاهب اسلامی و به‌کارگیری دیپلماسی عمومی، به‌منظور خنثی نمودن توطئه‌های تفرقه‌افکنانه صهیونیسم بین‌الملل و مهار تروریسم تکفیری (wt):

۷. ارتقای دیپلماسی هوشمندانه در مواجهه با دولت‌های منطقه و نفوذ ایران در میان شخصیت‌های اثرگذار جهان اسلام و استفاده از ضعف‌ها و اختلافات موجود بین دولت‌های منطقه از طریق موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرالی به‌منظور جلوگیری از شکل‌گیری بلوک ضدایرانی (st).

نتیجه

ماتریس ارزیابی موقعیت اقدام استراتژیک نشان می‌دهد که ایران پس از بیداری اسلامی در وضعیت حال، در مکان نمای SPCE درخانه تهجمی معطوف به فرصت قرار دارد و در وضعیت آینده با یک پله صعود در خانه تهجمی معطوف به قدرت قرار خواهد گرفت. ایران با استفاده از همین موقعیت موفقیت‌آمیز خود، خواهد توانست از فرصت‌های بدست آمده بر عمق استراتژیک خود بیفزاید و جایگاه بین‌المللی خود را ارتقا بخشد، تاجایی که امروزه با در اختیار داشتن نیروهای مردمی و مستقل از ارتش در کشورهای عراق و سوریه و ارتباطات گسترده نظامی با این دو کشور و انصارالله یمن و حزب‌الله لبنان و نیروهای مردمی پنهان تولید شده در جغرافیای شیعه، جایگاه رهبری خود را، هم به‌عنوان رهبر محور مقاومت و هم به‌عنوان رهبر محور شیعیان جهان تثبیت و بر جایگاه بین‌المللی خود بیفزاید و آن را ارتقا بخشد.

ایران در این فاز از توسعه و نفوذ و ارتقا و تثبیت قدرت خود در سطح منطقه، توانسته است این دست‌آوردها را برای خود تولید و برای گسترش حوزه نفوذ خود در پروسه زمانی بلندمدت، برای رهبری جهان اسلام و تولید تمدن بزرگ اسلامی برنامه‌ریزی نماید و بدین‌صورت هر روزه جایگاه بین‌المللی خود را پس از بیداری اسلامی ارتقا بخشد که بخشی از این دست‌آوردها محصول بیداری اسلامی در سطح جهان اسلام است که در آینده نیز می‌تواند امتداد یابد.

از سوی دیگر پس از بیداری اسلامی، چون زمینه‌ها و بسترهای نفوذ ایران در سطح منطقه‌ای افزایش یافت، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به‌صورت برنامه‌ریزی شده برای تغییر این فرآیند وارد شده و تلاش می‌نمایند تا آن را متوقف کنند. این اقدامات ناشی از احساس خطری است که از روند بیداری اسلامی در آنها شکل گرفته است.

از مجموع یافته‌ها به این نتیجه می‌رسیم که فرصت‌های به‌وجود آمده از بابت بیداری اسلامی، به‌مراتب نسبت به تهدیدات آن بیشتر است. همین امر جایگاه ایران را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا داده و متفاوت از گذشته ساخته و در آینده نیز بهتر از گذشته و حال خواهد ساخت.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، نبی‌الله، ۱۳۹۲، «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، *بیداری اسلامی در جهان عرب*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. اسپوزیتو، جان آل، ۱۳۸۵، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن شانه‌چی، تهران، انتشارات باز.
۳. افتخاری، اصغر (ویراستاری و تدوین)، ۱۳۹۱، «بیداری اسلامی یا بهار عربی با رویکرد سیاسی»، *بیداری اسلامی در نظر و عمل*، قم، زلال کوثر.
۴. امیرعبداللہیان. حسین، ۱۳۹۲، *ناکارآمدی طرح خاور میانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی*، تهران، وزارت خارجه.
۵. برزگر، کیهان، ۱۳۹۲ (ویراستاری و تدوین)، «راهبرد آمریکا در قبال انقلاب‌های عربی»، *تحولات عربی، ایران و خاورمیانه*، اسماعیل اقبال، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۶. بی‌نا، ۱۳۹۴، «سپاه پاسداران چالش مشترک امروز عربستان، مصر و اسرائیل است»، *ماهنامه خبری تحلیلی بسته خبری*، شماره ۹۹، خرداد، معاونت روابط عمومی سپاه.

- ۱۸ □ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۶، بهار ۱۳۹۸، ش ۵۶
۷. بی‌نا، روایت و اشنگن پست از نبوغ رهبر عالی ایران، ۱۳۹۳/۱۲/۱۲، سایت جمهوری.
۸. بی‌نام، ۱۳۸۹، «تحولات جهانی و بیداری اسلامی بررسی حوادث اخیر خاورمیانه»، کیهان.
۹. بی‌نام، ۱۳۹۲، حماس و خنجری که بر پشت مقاومت نشست، سایت مشرق.
۱۰. پورسعید، فرزاد (ویراستاری و تدوین)، ۱۳۹۲، «تأثیرات انقلاب و نا آرامی در کشورهای عرب بر امنیت اسرائیل»، بیداری اسلامی در جهان عرب، مطالعات نظری و موردی، امین پرتو و مصطفی کریمی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. پورسعید، فرزاد (ویراستاری و تدوین)، ۱۳۹۲، بیداری اسلامی در جهان عرب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. خامه‌یار، عباس، ۱۳۷۰، تأثیر ایران بر جنبش اخوان المسلمین، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، سخنرانی در مرقده مطهر امام خمینی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۱۵. دان مریدور، وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۱، بهار عربی ایران را تقویت کرد. سایت خبری تحلیلی بصیرت.
۱۶. رضاخواه، علیرضا، ۱۳۹۱، بیداری اسلامی و آینده مقاومت، سایت رصد.
۱۷. رمضان، روح‌الله، ۱۳۸۰، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۱۸. سعید محمدی، رضا، ۱۳۹۰، تأثیر بیداری اسلامی بر انسجام اسلامی و امنیت ملی ج.ا.ا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه عالی دفاع ملی، بهمن.
۱۹. صفوی، سلمان، ۱۳۹۰، خاورمیانه جدید، تغییر موازنه قدرت و ضعف دیپلماسی ایران، سایت فرا رو.
۲۰. طیبی، سید جمال‌الدین و محمدرضا ملکی، ۱۳۹۲، برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران، ترمه.
۲۱. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر.
۲۲. قاسمی، علی، ۱۳۹۰، «فرایند فزاینده تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، شماره ۴۲ - ۴۱، پاییز و زمستان ۹۰، معاونت سیاسی سپاه.
۲۳. گوهری مقدم، ابوذر، ۱۳۸۶، سیاست خارجی آمریکا پس از یازده سپتامبر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. محمدنژاد، میرعلی و محمدتقی نوروزی، بهار ۱۳۷۸، فرهنگ استراتژی، ۱۳۷۸، تهران، سنا.
۲۵. محمدی، منوچهر، بهار ۱۳۸۳، بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳.
۲۶. معین، محمد، ۱۳۵۰، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیر کبیر.
۲۷. نورانی درآباد، قهرمان، ۱۳۹۰ «الگوی موازنه آمریکا در برخورد با قدرت منطقه‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز.
۲۸. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۶، «اسلام و غرب»، ماهنامه پیام امروز، شماره ۲۱.